

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دیروز مطالبی درباره ماه گفته شد، در آیه ۱۸۹ از سوره بقره: یَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ: از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) درباره أهله سؤال می شود، در آیه شریفه از قمر سؤال نکرده اند و نگفته اند یَسْئَلُونَكَ عَنِ الْقَمَرِ: یعنی درباره خلقت و کیفیت قمر سؤال نشده و از هلال هم سؤال نشده، بلکه از أهله سؤال شده یعنی هلالی که بی در پی و هر ماه یک مرتبه تکرار می شود پس أهله هلال بعد هلال می باشد. در ضمن این سؤال سائلین می دانستند که هلال در وضع اوقات و اندازه گیری اوقات تأثیر دارد، همانطور که دیروز گفتیم چند مطلب را مردم از ماه فهمیدند، مثلاً ماهها را که سال ۱۲ ماه است و هفته ها را که از حرکت ماه فهمیدند. پس معلوم می شود که در آیه از حکم شرعی سؤال می کنند، یعنی این هلالی که بعد از هلال بوجود می آید سالی چند مرتبه است و از نظر شرعی حکم آن چیست و چه احکامی مترتب بر آن می شود. در آیه شریفه آمده: قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ: مَوَاقِيتُ جمع میقات است و میقات در لغه هم به زمان معین وهم به مکان معین می گویند، مثلاً مَوَاقِيتُ حَجِّ ۶ مکان معینی است که در آنجا احرام می بندند، پس مَوَاقِيتُ جمع میقات است و میقات، هم به مکانی می گویند که مشخص است برای انجام وظیفه خاصی و هم به زمانی می گویند که مشخص است برای انجام وظیفه خاصی. در اینجا أهله را، هم از نظر زمان بیان کرده، چرا که بسیاری از کارها مثلاً عده ای که زن باید نگه دارد و تاریخ تولدش و حقوقش و... همه اینها با هلال ماه تنظیم می شود و هم حج را بیان رده که مربوط به مکان است. در تفسیر برهان جلد اول ص ۴۱۲ روایتی در تفسیر آیه ۱۸۹ از سوره بقره آمده که آن را از تهذیب جلد ۴ ص ۱۶۶ از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که از امام (علیه السلام) سؤال شد درباره: قوله عزوجل: قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ، امام صادق (علیه السلام) فرمودند: لَصُومِهِمْ وَفَطْرِهِمْ وَحَجَّتِهِمْ، مَوَاقِيتُ برای مردم است

هم برای روزه گرفتنشان و هم برای عیدشان و هم برای حجشان، این مختصر توضیحی بود که درباره أهله دادیم. در بحث ما که عرض می کنیم اول باید تصویری از ماه داشته باشیم چون ما از ماه و خورشید و زمین بحث خواهیم کرد فلذا اگر خواهیم بحث را درست متوجه بشویم باید وضعیت آنها را در نظر بگیریم. اول ماه را عرض می کنیم، ماه ۵ حالت دارد اول اینکه ماه گاهی در محاق است و محاق آن موقعی است که ما ماه را نمی بینیم چون ماه طوری حرکت می کند که آن طرفش که رو به خورشید است نورانی است و طرف دیگرش که پشت به خورشید و رو به ماست تاریک است فلذا ما نمی توانیم ماه را در این حالت ببینیم. پس ماه در این حالت در محاق که به آن تحت الشعاع هم می گویند. می باشد، این شد حالت اول، بعد که ماه حرکت می کند در حرکتش از محاق در می آید و ما یک چیزی شبیه داس و یا کمان را می بینیم، یعنی در این موقع ماه متشکل می شود به شکل هلال که این همان شب اول ماه است، بعد در شب دوم و سوم و شب به شب همینطور ما ماه را چاق تر می بینیم تا شب هفتم که می شود تربیع اول یعنی ماه را در شب هفتم به صورت نیم دایره می بینیم، البته این نکته قابل ذکر است و ما باید توجه داشته باشیم که ماه هر شب نسبت به شب قبل دیرتر طلوع می کند یعنی ما دیرتر آن را می بینیم که این تأخیر در دیدن سَنَةِ أَسْبَاعِ السَّاعَةِ: یعنی شش هفتم یک ساعت، تقریباً معادل ۵۰ و چند دقیقه می باشد. بنابراین ماه اول در محاق بود و بعد در حرکتش به دور زمین آمد تا در شب هفتم به تربیع اول رسید که در این موقع ماه را به صورت نیم دایره می بینیم و بعد حرکت می کند تا در شب ۱۴ بدر می شود یعنی تمام قرص ماه را ما در شب ۱۴ می بینیم و بعد از بدر حرکت می کند و کم کم لاغر می شود تا در شب ۲۱ می رسد به تربیع ثانی یعنی دوباره به شکل نیم دایره در می آید و بعد دوباره حرکت می کند تا اینکه در آخر ماه دوباره در محاق قرار می گیرد. بنابراین ما در اینجا سه چیز را باید درست بفهمیم یکی ماه را و یکی زمین را و یکی خورشید را. در هیئت قدیم و جدید که برای ما فرقی نمی کند، علمای علم هیئت آمده اند و

هیئت محل سیر قمر و محل سیر زمین به دورشمس رادائرة البروج یا منطقة البروج نامیده اند، یعنی دائرة ای که بروج در آنها قرار گرفته است و محل سیر ماه و زمین هم می باشد. عید نوروز ما باحتمل که اولین ماه از فصل بهار است شروع می شود، پس حمل و ثور و جوزا فصل بهار را تشکیل می دهند و سرطان و اسد و سنبله فصل تابستان را و میزان و عقرب و قوس و پائیز را و جدی و دلو و حوت فصل زمستان را تشکیل می دهند که این را کلا منطقة البروج می گویند. از جمله جاهایی که باید مراجعه کنید تا مطلب برایتان روشن شود لغتنامه دهخدا می باشد، در آنجا اگر در ماده (ص) صور فلکی را نگاه کنید آمده است که: مجموعه هایی از ستارگان می باشند که ستاره شناسان برای شناخت و تمییز آنها از یکدیگر به هر یک از آنها نام حیوانی یا چیز دیگری داده اند. پس صور فلکی قدما ۴۸ صورت بود و بعداً دو صورت دیگر به آنها اضافه شد و جمعاً ۵۰ صورت شد. این برجهای ۱۲ گانه را که اسمهایشان را گفتیم به خاطر بسیاری تا بقیه مطالب مربوط به آنها را این شاء الله تعالی فردا بیان کنیم. ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی  
محمد و آله الطاهرین

محل حرکت ماه را به دور زمین و حتی حرکت خود زمین به دور خورشید را به صورت مداری ترسیم کرده اند چون همانطور که می دانید ماه به دور زمین می گردد و زمین در حرکت انتقالی خودش به دور خورشید می گردد که نتیجه این حرکت انتقالی زمین پیدایش فصول است و همچنین زمین در حرکت وضعی که دارد دور خودش می چرخد که این حرکت هر ۲۴ ساعت یکبار می باشد و نتیجه این حرکت وضعی زمین به دور خودش هم پیدایش شب و روز می باشد، پس علمای علم هیئت برای حرکت زمین و ماه و خورشید مداری ترسیم کرده اند که این مدار که در مسیر حرکت همه اینها قرار دارد بیضی است نه دایره و به خاطر همین بیضی بودنش است که فاصله های آنها باهم فرق می کند، چرا که اگر مدار دائرة بود و در محیط حرکت می کرد فاصله ها همیشه یکی بود اما چون مدار بیضی است و زمین هم در کانون آن بیضی واقع شده گاهی فاصله ماه با زمین کم و گاهی زیاد است و زمین هم نسبت به خورشید همین طور است یعنی گاهی فاصله اش با خورشید کم است و گاهی زیاد می شود. ۱۲ برج در محل حرکت ماه به دور زمین و همچنین محل حرکت زمین به دور خورشید وجود دارد که عبارتند از: حمل و ثور و جوزا، سرطان و اسد و سنبله، میزان و عقرب و قوس، جدی و دلو و حوت. حالا می خواهیم بدانیم که به چه مناسبتی برجهای آسمان را به این نامها می خوانند؟ یکی از بحث های علم هیئت بحث در صور فلکی است، سابقاً دقت بیشتری برای فهمیدن اوضاع افلاک و ستارگان می کردند فلذا آمدند و اینها را به نامهای حیوانات و اشیائی که در دسترسشان بود نامگذاری کردند و از آنها یک صورت خیالی برای خودشان تصور کردند مثلاً می گفتند که اگر ستاره ها را با خطوطی به هم متصل کنیم به شکل بره در می آید فلذا اسمش را می گذاریم حمل و به همین ترتیب با توجه به صور خیالی که در ذهنشان تصور می کردند افلاک و ستارگان را نامگذاری می کردند. علمای علم هیئت قدیم کلاً ۴۸ صورت سماوی و فلکی برای ستارگان درست کرده اند و دو تای دیگر هم بعداً به آنها اضافه شد که جمعاً ۵۰ صورت درست شد. علمای علم